

خبر

زنان می‌توانند در انتخابات نقش مهمی ایفاکنند

ادامه از صفحه ۲ | حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای وظایف خانوادگی را مقوله‌ای دانستند که زن و مرد با توجه به امکانات و ظرفیت‌های جسمی و روحی خود وظایف متفاوتی دارند و افزودند: بر این اساس شعار «برابری جنسیتی» که برخی به صورت مطلق بیان می‌کنند غلط، و آنچه صحیح است «عدالت جنسیتی» است. مقام معظم رهبری با اشاره به مفهوم عدالت یعنی قرار دادن هر چیز در جای خود، وظایف اختصاصی زن مانند فرزندآوری و پرورش فرزند را متناسب با ساخت روحی، جسمی و عاطفی زن خواندند و گفتند: اگرچه وظایف خانوادگی زن و مرد متفاوت است اما حقوق خانوادگی آنها بنا بر تصریح قرآن کریم یکسان است. ایشان خانه را محل آرامش و آسایش زن خواندند و تأکید کردند: رفتارهای بد شوهر مانند بددهانی یا آسیب زدن جسمی به هیچ وجه قابل قبول نیست. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای راه مواجهه با اینگونه آسیب‌های درون خانواده را تصویب قوانین حاوی مجازات سخت دانستند و با اشاره به در جریان تصویب بودن قانونی در مجلس، گفتند: این قانون باید دنبال شود و ما هم سفارش می‌کنیم تا مجازات سختی برای مردانی که محیط خانه را برای زن ناامن می‌کنند، در نظر گرفته شود. ایشان با اشاره به وجود سؤال‌هایی درباره حضور زنان در مشاغل گوناگون و مدیریت‌های اجتماعی و دولتی، تأکید کردند: در این عرصه نیز مسأله جنسیت مطرح نیست و هیچ محدودیتی برای حضور زنان وجود ندارد. مقام معظم رهبری شایسته‌سالاری را تنها ملاک واگذاری مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی به زنان و مردان دانستند و گفتند: در جایی مانند وزارت با نمایندگی مجلس اگر بانوی مجرب و کارآمد بهتر و شایسته‌تری وجود دارد، از نظر اسلام هیچ محدودیتی برای تصدی او وجود ندارد. ایشان شرط حضور زنان در مشاغل را محروم نشدن آنها از مشغله اساسی زنانه یعنی خانه‌داری و فرزندآوری و مادری خواندند و گفتند: حتی برخی مشاغل مانند پزشکی و معلمی برای زنان و دختران واجب‌کفایی است و اگر گاهی اشتغال زن با خانه‌داری، فرزندآوری و لوازم آن، تعارض پیدا می‌کند، مسئولان کشور باید راه‌حلی پیدا کنند که هیچ یک از این دو وظیفه محقق نشد. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای افزودند: البته این وظایف قابل جمع است همان‌که زنان نخبه و موفقی را در بخش‌های علمی و اجرایی می‌شناسیم که فرزندان خوبی نیز تربیت کرده‌اند. ایشان پس از تأکید بر ایفای وظایف خانوادگی زن، دومین حساسیت اسلام در مسأله حضور اجتماعی زن را خطر و لغزشگاه جاذبه‌های جنسی دانستند و گفتند: یکی از جنبه‌های تأکید اسلام بر روی حجاب ایجاد محدودیت برای خطر جاذبه جنسی است که این حساسیت باید رعایت شود. بنابراین حجاب محرومیت نیست بلکه نوعی برخورداری و باعث حفظ امنیت زن است. مقام معظم رهبری، نقش مادری را مهم‌ترین و برترین نقش را در حیات بشر به علت تضمین ادامه نسل و حیات کار خانه از قبیل پخت و پز و شست‌وشو و وظیفه زن است، کاملاً غلط است و در خانواده کارها باید با تفاهم انجام شود همان‌که برخی مردها هستند که در کار خانه به زنان کمک می‌کنند. مسأله سن ازدواج موضوع دیگری بود که حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، نظر اسلام درباره آن را بهرین‌از موکل کردن به سنین بالا خواندند و گفتند: البته این به معنای ازدواج کردن کودکان نیست بلکه یعنی دختر و پسر هرچه به وقت ازدواج کنند بهتر است. ایشان پیشرفت‌های زنان در بخش‌های مختلف علمی، ادبی، ورزشی و هنری در دوره جمهوری اسلامی را بیش از ده برابر قبل از انقلاب خواندند و گفتند: با وجودی که ما هنوز نتوانسته‌ایم کشور را به معنی واقعی اسلامی کنیم و کشور، اسلامی نیمه‌کاره است، این موفقیت‌ها را به خودی خود در صورت اجرای کامل اسلام این توفیقات چند برابر خواهد شد. مقام معظم رهبری در پایان سخنانشان با اشاره به ۱۴۰۲، نقش آفرینی بانوان در این عرصه را در اجتماع و خانواده ضروری خواندند و گفتند: مهم‌ترین نقش شمار داخل خانه و ترغیب کردن همسر فرزندان به فعال بودن در مسأله انتخابات و تحقیق درست است به خصوص که زنان در برخی مسائل از جمله شناخت اشخاص و راهبردها و جریان‌ها، دقیق‌تر و ظریف‌تر از مردها به صحنه نگاه می‌کنند، بنابراین می‌توانید در شناخت نامزدهای انتخاباتی و تشویق به حضور در پای صندوق‌های رای، نقش مهمی ایفا کنید.

مرتضی افقه در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

اعطای رانت برای کاهش نابرابری

مهم‌ترین عامل ناکامی‌های اقتصادی بینش غیرتوسعه‌ای است

تنش‌های منطقه‌ای وضعیت اقتصاد را متزلزل کرده است

واقعیت آن است که این تفاوت

نرخ ارز تثبیت شده و قیمت بازاری

آن نیست که موجب فساد شده یا

می‌شود، این ساختارهای فسادزای

موجود هستند که زمینه را برای

سوءاستفاده افراد صاحب نفوذ مهیا

کرده است. بدیهی است در چنین

ساختار فسادزایی حتی اگر نرخ ارز

آزاد شود و هیچ رانت و امتیازی برای

اقتشار کم درآمد هم وجود نداشته باشد،

فساد کاهش نمی‌یابد

و برنامه ششم که به دلیل وقوع انقلاب فرصت اجرا نیافت و نیز انبوهی تجربه‌های موفق اجرایی پس از انقلاب نیز وجود دارد. بخش قابل توجهی از ناکامی‌های در حوزه‌های اقتصادی و به تبع آن حوزه‌های اجتماعی و سیاسی، به دلیل نبود پیش نیازهای غیراقتصادی است.

چرا نقش فقدان پیش نیازهای اقتصادی را مهم‌تر می‌دانید؟

با نبود بسترهای مناسب غیراقتصادی برای پیشرفت و رفاه اقتصادی، امکان حل کامل مشکلات اقتصادی با نسخه‌های صرفاً اقتصادی غیرممکن است. در نتیجه برای حل مشکلات اقتصادی ضروری است که تمرکز و تأکید بر رفع موانع غیراقتصادی گذاشته شود؛ هرچند این مهم زمانبر، دشوار بر هزینه و بعضاً با مقاومت‌هایی همراه خواهد بود. مهم‌ترین عامل غیراقتصادی که می‌توان گفت منشأ بروز سایر موانع است، بینش و نگرش غیرتولیدی و غیرتوسعه‌ای در دیدگاه ارزشی برخی تصمیم‌گیران و رونق و پیشرفت اقتصادی و در کل معیشت و رفاه اقتصادی جزو اولویت‌های اصلی و مهم در مقایسه با اولویت‌های ایدئولوژیک و سیاسی برخی تصمیم‌گیران نیست. فقدان نگرش توسعه‌ای در دیدگاه ارزشی حاکم، منجر به ایجاد نظامی از انتصاب مدیران و کارکنان شده است که مبنای آن الزاما شایسته سالاری مبتنی بر پیشرفت اقتصادی و توسعه نیست. وجود چنین ساختاری منجر به بروز انواع بی‌ثباتی‌های داخلی و خارجی شده است که خود سم مهلکی برای سرمایه‌گذاری و رونق تولید هر جامعه‌ای است. بی‌ثباتی‌های مدیریتی به خصوص در حوزه اجرا به دلیل ساختار سیاسی و نیز ناکارآمدی برخی مدیران و کارکنان اجرایی، بی‌ثباتی تقنینی و تنش‌های منطقه‌ای به دلیل اهمیت استراتژیک خاورمیانه و نیز نگرش‌های سیاسی و ایدئولوژیک موجود، از جمله موانع غیراقتصادی مهم برای سرمایه‌گذاری و رونق تولید و در نهایت پیشرفت و رفاه اقتصادی کشور هستند. از میان همه بی‌ثباتی‌های مضر به حال سرمایه‌گذاری و تولید، بدون تردید وجود تنش‌های سیاسی و نظامی مهم‌ترین مانع خواهد بود که از ابتدای انقلاب تاکنون به تناوب کشور با آن مواجه بوده است؛ از جنگ ۸ ساله دهه اول انقلاب تا تحریم آمریکا بعد از ماجرای سفارت این کشور و نیز تشدید تحریم‌های همه جانبه بعد از سال ۱۳۹۷، تا تنش‌های مستمر با اسرائیل و گاه و بیگاه با کشورهای منطقه و اخیراً جمهوری آذربایجان و در نهایت جنگ بی‌سابقه و نگران‌کننده اسرائیل با غزه و احتمال گسترش آن، از جمله مهم‌ترین موانع مزمن سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی است. بدون تردید، وجود تنش به خصوص اگر احتمال بروز جنگ باشد، نه تنها امکان سرمایه‌گذاری را از بین می‌برد، بلکه سرمایه‌گذاری‌های موجود را نیز در معرض انهدام و تخریب و در نهایت فرار یا خروج سرمایه‌های داخلی قرار می‌دهد، اما وقوع جنگ در خاورمیانه که به دلیل وجود بخش قابل توجهی از ذخایر نفتی جهان نه تنها سرمایه‌گذاری‌های انجام شده و آتی کشور را با تهدید جدی مواجه کرده، بلکه بر کل بازارهای جهان اثراتی فوری، گسترده و دیرپا خواهد گذاشت.

است در چنین ساختار فسادزایی حتی اگر نرخ ارز آزاد شود و هیچ رانت و امتیازی برای اقتشار کم درآمد هم وجود نداشته باشد، فساد کاهش نمی‌یابد.

آیا اخباری که از سوء استفاده و فساد برخی مسئولان و فرزندان و بستگان آنها در رسانه‌ها منتشر می‌شود، به دلیل تثبیت نرخ ارز بود؟ این همه سوء استفاده در گرفتن امتیازات متعدد و کسب مجوز تأسیس واحدهای اقتصادی و غیراقتصادی یا اعطای زمین و امکانات دیگر ربطی به رانت‌هایی که برای کاهش نابرابری ارابه می‌شود، ندارد بلکه این ناکارآمدی سیستم انتصاب مدیران و مسئولان از یکسو و ناکارآمدی برخی دستگاه‌های نظارتی است که موجب گسترش فساد شده نه امتیازات خاصی که برای کاهش نابرابری در نظر گرفته شده است. شاهد این مدعا، انبوهی از امتیازات ویژه و رانت‌هایی است که در کشورهای پیشرفته به خصوص اروپای غربی برای حمایت از افراد و خانواده‌های محروم اعطا می‌شود، بدون آنکه تاکنون کمترین گزارشی از فساد یا سوء استفاده از این رانت‌ها توسط مسئولان حکومتی یا افراد صاحب نفوذ منتشر نشده است. اینکه در این جوامع فساد گزارش نمی‌شود به دلیل عدم وجود رانت و امتیازات ویژه برای حمایت از محرومان نیست، بلکه به دلیل وجود سیستمی کارآمد و ضد فساد است.

چرا سیستم اقتصادی ما به چنین مرحله ضد فساد نرسیده است؟

واقعیت این است که تقلید از سیاست‌های اقتصادی نامناسب برای شرایط فعلی توسط گروهی از اقتصادخوانده‌های بی‌اعتنا به ساختارهای غیراقتصادی کشور است که سهم بالایی در ناکامی‌های اقتصادی کشور داشته‌اند. این گروه از افراد، با برخورداری از امکانات مالی و رسانه‌ای فراوان، با دادن آدرس غلط به تصمیم‌گیران و سیاستگذاران، به خصوص برخی مدیران ارشد و نمایندگان مجلس، تاکنون لطمات و خسارات جدی و جبران‌ناپذیری به زندگی مردم وارد کرده و می‌کنند. در هر جامعه‌ای مستلزم وجود پیش نیازها و بسترهای متعدد است، اما می‌توان این پیش نیازها را به دو گروه کلی تقسیم کرد. نخست، پیش نیازهای اقتصادی که عمده‌ترین و رایج‌ترین آنها عبارتند از نیروی انسانی در ابعاد مختلف، منابع طبیعی و سرمایه. همچنین وجود بازارهای داخلی و خارجی از جمله پیش نیازهای لازم برای رشد و رونق اقتصادی است. دوم پیش نیازهای غیراقتصادی، که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از: نگرش مثبت به لحاظ نگرش فلسفی، فرهنگی سنتی... به رونق تولید و رشد اقتصادی، وجود ثبات داخلی و خارجی در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، مدیریتی، تقنینی، نبود ریسک سرمایه‌گذاری، بوروکراسی مناسب و روان و پویا، همسویی و همراهی ارکان نظام تصمیم‌گیری قوا و دستگاه‌های حاکمیتی، ویژگی مهم کشور ایران آن است که تقریباً از تمامی پیش نیازهای اقتصادی به وفور برخوردار است. از سوی دیگر تجربه اجرای پنج برنامه پیش از انقلاب

مهم‌ترین دلایل فسادهای اقتصادی را چه می‌دانید؟ در ادبیات سیاسی و اقتصادی موجود ایران، آنچنان در مذمت رانت به معنی امتیاز ویژه یا درآمد بادآورده گفته و نوشته شده که گویی اعطای رانت در شرایط نامتعادل و بحرانی اقتصادی برای حمایت از اقتشار آسیب دیده از سیاست‌های غلط سیاستگذاران، امری قبیح است. این در حالی است که در کشورهای در حال توسعه به دلیل سوء تدبیرها و سوء استفاده‌ها، از یک طرف نابرابری بین مناطق زیاد شده و از طرف دیگر، فقر و نابرابری درآمدی بین خانوارها گسترده شده است، یکی از سیاست‌هایی که برای کاهش این نابرابری‌ها توصیه می‌شود، اعطای رانت یا امتیازهایی خاص برای مقاطع زمانی معین کوتاه یا بلندمدت است. مثلاً به منظور ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری در مناطق فقیر و محروم، سیاستگذار امتیازاتی مثل معافیت مالیاتی برای مدتی معین یا استفاده از تسهیلات ارزان بانکی یا پرداخت ارز به نرخ رسمی... ارائه می‌کند تا سرمایه‌گذاری برای افراد و شرکت‌ها به صرفه باشد یا برای تأمین نیازهای اساسی افراد، سیاست‌هایی به کار می‌گیرند تا افرادی که به هر دلیلی دچار فقر و محرومیت شده‌اند، بتوانند به حداقل‌های لازم برای ادامه حیات دسترسی داشته باشند. این سیاست‌ها نه تنها برای تداوم زندگی اقتشار وسیعی از مردم آسیب دیده ضروری است، بلکه هم مانع تبعات اجتماعی و سیاسی ناشی از فقر می‌شوند و هم از طریق بهبود بهداشت و آموزش این گروه از افراد، توانمندی لازم برای مشارکت آنها در فرآیند توسعه را فراهم می‌کنند. حال اگر فرد یا گروهی از افراد سودجو با استفاده از ارتباطات و زدوبندهای سیاسی خود از این امتیازات به نفع منافع شخصی خود سوء استفاده کردند، باید صورت مسأله را کلاً پاک کرد و با حذف این امتیازات، مردم فقیر و مناطق محروم را تنبیه یا با سوء استفاده کنندگان برخورد کرد؟

تجربه نشان داده در اقتصاد ایران اغلب چنین مواردی به فساد منجر شده است. چرا چنین اتفاقی در اقتصاد ایران رخ می‌دهد؟

خطایی که اقتصادخوانده‌های بی‌اعتنا به ساختارهای متفاوت ایران، به آن دچار شده و چنان بر آن اصرار کرده‌اند که موجب اغوای برخی سیاستگذاران فاقد دانش اقتصادی شده‌اند، بیان این نکته است که این گروه از رانت‌ها به دلیل حمله تثبیت قیمت ارز باعث فساد می‌شود. در پاسخ باید گفت که در شرایط فعلی کشور که بسیاری از مردم به دلیل شرایط موجود و سوء تدبیرهای برخی مسئولان، دچار فقر و محرومیت شده‌اند، چاره‌ای وجود ندارد جز آنکه نرخ ارز برای تهیه و تأمین کالاهای اساسی و ضروری تثبیت شود. واقعیت آن است که این تفاوت نرخ ارز تثبیت شده و قیمت بازاری آن نیست که موجب فساد شده یا می‌شود، این ساختارهای فسادزای موجود هستند که زمینه را برای سوء استفاده افراد صاحب نفوذ مهیا کرده است. بدیهی

در ادبیات سیاسی و اقتصادی موجود ایران، آنچنان در مذمت رانت به معنی امتیاز ویژه یا درآمد بادآورده گفته و نوشته شده که گویی اعطای رانت در شرایط نامتعادل و بحرانی اقتصادی برای حمایت از اقتشار آسیب دیده از سیاست‌های غلط سیاستگذاران، امری قبیح است. این در حالی است که در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران که به دلیل سوء تدبیرها و سوء استفاده‌ها، از یک طرف نابرابری بین مناطق زیاد شده و از طرف دیگر، فقر و نابرابری درآمدی بین خانوارها بسیار گسترده شده است، یکی از سیاست‌هایی که برای کاهش این نابرابری‌ها توصیه می‌شود، اعطای رانت یا امتیازهایی خاص برای مقاطع زمانی معین کوتاه یا بلندمدت است

یادداشت

سرنوشت اشرف غنی در انتظار زلنسکی؟



اسماعیل فروغی
روزنامه نگار

این روزها همه به غزه نگاه می‌کنند. جهان با بی‌تفاوتی تمام، شاهد و ناظر وقوع فاجعه هولناک قرن ماست، شاهد و ناظر فاجعه ویرانی کامل یک شهر دو میلیونی و شاهد کشتار هزاران زن و مرد و طفل بی‌گناه فلسطینی توسط رژیم اشغالگر اسرائیل در یک جنگ نابرابر. همزمان با غزه، جنگ ویرانگر دیگری در اوکراین هم همچنان ادامه دارد. در گرماگرم جنگ در غزه و اوکراین، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، ضمن گفت‌وشنود سالانه‌اش با خبرنگاران و خبرنگاران، بسیار روشن و با صراحت از ادامه تحقق نیت روسیه برای دست یافتن به اهداف امنیتی‌اش در اوکراین صحبت کرد. با تثبیت و تحکیم روزافزون روسیه در جنگ اوکراین و با در نظر داشت پیچیده شدن روز تا روز اوضاع در شرق میانه و کشیده شدن مستقیم پای آمریکا در جنگ غزه و خاورمیانه، این پرسش بیشتر مطرح می‌شود که آیا آمریکا تا پایان جنگ در کنار اوکراین خواهد ماند؟ آیا اصلاً آمریکا می‌تواند همزمان، جنگ در غزه، جنگ در اوکراین، بحران در افغانستان و بحران در تایوان را تأمین و مدیریت کند؟ به باور ناظران بین‌المللی، آمریکا که در پایان هر جنگ و بحرانی، ناکام و سرافکنده از میدان خارج شده است، به زودی اوکراین و زلنسکی را هم تنها خواهد گذاشت. آمریکای تا گلو غرق در قرض (جمعاً ۳۴ تریلیون دلار)، دیگر توان این را ندارد تا در کنار حمایت بی‌دریغ از اسرائیل، دولت غرق در فساد اوکراین را هم از نظر مالی و تسلیحاتی تأمین کند. با ادامه بحران در شرق میانه، آمریکا بیشتر از پیش، به حفاظت و تحکیم موقعیت نظامی - امنیتی خود در شرق میانه، هزینه خواهد کرد نه در اوکراین؛ چون توان مادی و تسلیحاتی‌اش در هر دو جبهه کفایت نخواهد کرد. درست به دلیل همین ناتوانی مالی و تسلیحاتی است که سنای آمریکا با وجود تعهد صریح لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا به رئیس‌جمهور زلنسکی، بودجه ۶۰ میلیارد دلاری کمک به اوکراین را هنوز تصویب نکرده است. وقتی «شالاندا یانگ» مدیر بودجه کاخ سفید در نامه‌ای به رهبران مجلس سنا و نمایندگان آمریکا نوشت که «... ایالات متحده آمریکا تا پایان سال جاری میلادی بودجه خود را برای ارسال تسلیحات و کمک به اوکراین تمام خواهد کرد. و ما دیگر پولی برای حمایت از اوکراین نداریم...» اشاره‌ای است به این حقیقت که اوکراین باید با روسیه به مذاکره بپردازد. باید رئیس‌جمهور زلنسکی بیش از این جوانان اوکراینی را با دستان خود به قتلگاه‌ها نفرستد. ایالات متحده آمریکا و هم پیمانان غربی‌اش که با ارسال سیل سلاح‌های مگر بار به اوکراین و هزینه کردن صدها میلیارد دلار در این جنگ - تاکنون به نتیجه دلخواه‌شان که تضعیف و به انزوا کشاندن روسیه بود، دست نیافته‌اند، بیش از این علاقه‌مند ادامه تشدید جنگ در اوکراین نیستند. حقایق میدانی در اوکراین، ادامه جنگ در غزه که خود به خود هزینه‌های آمریکا را بالا خواهد برد و بالاخره اشتگتی درونی مالی - سیاسی دولت آمریکا، همه و همه ما را به این باور نزدیک‌تر می‌سازد که دیر یا زود ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهوری اوکراین به سرنوشتی شبیه به سرنوشت محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهوری افغانستان مبتلا خواهد شد.

خبر

سید حسین نقوی حسینی مطرح کرد:

شرایط سخت قالیباف برای مجلس بعدی

نشانه‌ها و قرائن و شواهد حکایت از آن دارد که دایره تأیید صلاحیت‌شدگان وسیع خواهد بود و در چنین حالتی شکل‌گیری یک فهرست از منتقدان دولت و مجلس دور از نظر نیست، بر این اساس تلاش‌ها در میان اصولگرایان برای رسیدن به لیست واحد بیشتر شده است. یک فعال سیاسی اصولگرا درباره آرایش انتخاباتی درون اردوگاه اصولگرایی گفت: با توجه به بیانات اخیر رهبر معظم انقلاب و توصیه‌های ایشان به اعضای شورای نگهبان درباره اهمیت شکل‌گیری انتخابات پرشور و جدانگیزی، سلیق مختلف سیاسی اعم از اصلاح طلبان، اعتدالیون و طیف‌های مختلف اصولگرایی در رقابت اسفندماه حضور پیدا خواهند کرد. سید حسین نقوی حسینی افزود: اصولگرایان در جهت وحدت حرکت می‌کنند و روی ارائه لیست واحد متمرکز می‌شوند چون در رقابت با اصلاح طلبان و اعتدالیون، ضرورت وحدت بیشتر خواهد شد. در چنین فضایی پیش‌بینی آن است که به تدریج فهرست‌های انتخاباتی درون جریان اصولگرا تقلیل یابد و همه آنها در یک فهرست جمع شوند. این فعال سیاسی اصولگرا یادآور شد: هر چند در حال حاضر حداقل ۲ لیست شورای ائتلاف و پایداری در جریان اصولگرایی دیده می‌شود اما این آرایش نهایی نخواهد بود. البته شورای وحدت بر ارائه لیست مستقل تأکید داشت اما در مواضع اخیر این شورا به این مسئله تأکید شده که اگر لازم باشد آمادگی برای مشارکت در تدوین لیست مشترک و واحد اصولگرایی دارد. وی ادامه داد: اگر اصولگرایان در تهران لیست واحد بدهند آقای قالیباف چاره‌ای ندارد که با سایر گروه‌ها در بستن فهرست نهایی سهیم شود تا آنها نیز نامزدهای مطلوب خود را در فهرست واحد داشته باشند که در این صورت نیروهای کمتری از جریان آقای قالیباف در فهرست نهایی قرار خواهند گرفت؛ کم‌اینکه دوره گذشته نیز همین اتفاق افتاد آقای قالیباف مجبور شد چند نفر از نیروهایش را از لیست حذف کند و به جای آنها نامزدهای جبهه پایداری اضافه شدند. نقوی حسینی تصریح کرد: اگر اصولگرایان در تهران لیست واحد بدهند همه نامزدها از یک سلیقه سیاسی نخواهند بود بلکه هر کدام آنها باید یک تعدادی را در آن فهرست قرار دهند اما ائتلافی شکل نگیرد، رقابت در تهران بین شورای ائتلاف، پایداری و اعتدالیون سه ضلعی می‌شود که این اتفاق، ریاست را برای آقای قالیباف سخت می‌کند. دوره دهم نیز وقتی ترکیب مجلس سه ضلعی شد هر ضلعی برای خودش مدعی داشت و ریاست برای آقای دکتر لاریجانی سخت بود چون او هر سال برای کسب کرسی ریاست با چالش‌های جدی مواجه می‌شد.